

اقتصاد اسلامی

﴿عنايت الله روانبد﴾

مدرس حوزه علمیه چابهار

اجتماعی سالم و آرام و بدون فساد و هرج و مرج به وجود می‌آورد که در آن رابطه‌های اجتماعی با تدابیر مختلف اسلامی از روابط خویشاوندی گرفته تا عیادتها و ملاقاتهای معمولی، استحکام می‌یابد و آرامش و اعتبار اجتماعی افراد، تضمین می‌شود.

ما هنگامی که در بُعد عبادی به بیراهه می‌رویم و پیوند خود را از معبود حقیقی می‌گسند و در برابر هر سنگ و چوب بی‌جان زانو می‌زنند و با آن به نیایش می‌پردازند و شرف انسانی خود را بطور کامل از کف می‌دهند، درس توحید و یکتاپرستی پیامبران الهی است که دست او را می‌گیرد، او را از پای بت‌های سنگی و چوبین بلند می‌کند و تا پیشگاه پروردگارش می‌رساند و ارتباط وی را با خدایش برقرار می‌سازد.

زمانی که در بُعد اخلاقی ضعف پیدا می‌کند و در ورطه فساد اخلاقی سقوط می‌کند و رذایل اخلاقی بر طبع سلیم او چیره می‌گردد، اخلاق اسلامی و تصوف واقعی است که او را از این منجلاب می‌رهاند و روح ایثار، فروتنی، همدردی، سخاوت، خوش‌بینی، بی‌باکی، فداکاری و مهربانی را در قالب خاکی او می‌دمد و زنگار خودخواهی، تکبر، بخل، بدبینی، بزدلی، خودبینی، حسد و سنگدلی را از صفحه قلب او می‌زداید؛ در یک کلام، دین اسلام در تمام بخش‌های زندگی نقش رهبری و اصلاحی دارد و رهبریت آن فقط در دایره عبادت خلاصه نمی‌شود.

موضوع مورد بحث در این مقاله کوتاه، توضیح

دین اسلام از یک سو فراگیر و گسترده و از سوی دیگر، ابدی و جهانی است. فراگیر بودن، به این معنا که به یک شعبه خاص منحصر نمی‌گردد، بلکه تعالیم حیات‌بخش آن در تمام ابعاد زندگی اعم از بُعد عقیدتی، سیاسی، عبادی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... حکم فرما است و گره از مشکلات بشر می‌گشاید. در مسیر حیات، اگر جامعه اسلامی در بُعد عقیدتی و فکری دچار تزلزل و سراسیمگی شود، عقیده و ایدئولوژی اسلامی و الهی است که آن را از اعتقاد داشتن به باورهای خرافی و پست، که موجب مسخ فطرت و نابودی عزت انسانی می‌شود، نجات می‌دهد.

وقتی که در بُعد سیاسی دچار افت‌زدگی و بحران می‌شود، سیاست عادلانه اسلامی به یاری او می‌شتابد و او را از ستم‌ها و بی‌عدالتی‌های سیاست ظالمانه بشری^(۱) - که ساخته افکار و پرداخته منش‌های خود اوست - می‌رهاند.

و چون در بُعد اقتصادی به بن‌بست می‌رسد، یا با فقر معیشتی مواجه می‌گردد و یا وارد پیچ و تاب‌های تجاری می‌شود، اقتصاد اسلامی است که راه‌های مشروع در فعالیت اقتصادی را به او می‌آموزد و در پرتو آیین قرآن و حدیث، حلال او را از حرام دیگران جدا می‌سازد و حق او را از دیگران می‌گیرد و از اعمال خلاف شئون اسلامی در تجارت چون: دزدی، کلاهبرداری، رباخواری، دروغ‌گویی و خیانت باز می‌دارد.

هرگاه بُعد اجتماعی آن مبتلا به فساد، ناهنجاری‌ها، نابرابری‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی می‌شود، عدالت اجتماعی و اسلامی است که این نابرابری‌ها و آشفتگی‌ها را خاتمه می‌دهد و

✓ دین اسلام از یک سو فراگیر و گسترده و از سوی دیگر، ابدی و جهانی است. فراگیر بودن، به این معنا که به یک شعبه خاص منحصر نمی‌گردد، بلکه تعالیم حیات‌بخش آن در تمام ابعاد زندگی اعم از بُعد عقیدتی، سیاسی، عبادی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... حکم فرما است و گره از مشکلات بشر می‌گشاید.

۱- جهت اطلاع بیشتر در زمینه سیاست عادلانه و ظالمانه مراجعه شود به: السیاسة الاقتصادية للدكتور احمد المصرى. ص: ۳۸.

مختصری در مورد «اقتصاد اسلامی» و قانون معیشتی آن است که ارایه می‌گردد:

تعریف اقتصاد

اقتصاد [Economics] در لغت، «میان‌ه روی در هر کاری» را می‌گویند و در اصطلاح کارشناسان، اقتصاد، عبارت از: علم به مجموع وسایلی است که برای رفع نیازمندیهای مادی بشر از آن استفاده می‌شود.^(۱) یا: اقتصاد علمی است که در آن مسائل مربوط به ثروت‌اندوزی، درآمد، کسب و کار و سرمایه‌گذاری مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین تولید، بهره‌برداری، خدمات و توسعه نیز از مسائل مورد بحث آن است.^(۲)

دلیل نامگذاری این علم به «اقتصاد» (که میان‌ه‌روی در هر کاری را می‌گویند) و مناسبت بین معنای لغوی و اصطلاحی بایستی این باشد:

چون خواسته‌ها و نیازهای بشری در برابر امکاناتی که در اختیار دارد بیشتر است و مسلماً با امکانات محدود نمی‌توان تمام خواسته‌ها و نیازها را بر طرف ساخت، لزوماً باید طوری از امکانات محدود در تأمین نیازها استفاده کرد تا با کمترین امکانات، بتوان بیشترین نیازها را برآورده ساخت.

بیان این طریق استفاده و توضیح راهکار برای آن، موضوع مورد بحث این علم است که در آن از چگونگی میان‌ه‌روی در تأمین نیازها و صرفه‌جویی در بکارگیری امکانات گفتگو می‌شود، از این جهت آن را «علم اقتصاد» یعنی علم صرفه‌جویی و میان‌ه‌روی می‌گویند.

از آنجا که در زمینه تأمین نیازهای بیشتر، خواسته‌های مهم و اولیه را در خط مقدم انتخاب قرار می‌دهند و در تأمین آنها از قانون «الاهم فالاهم» کار می‌گیرند، علم اقتصاد را «علم انتخاب» نیز می‌گویند.

همچنین در میان تعریفهای بسیار زیادی که از اقتصاد شده، دو تعریف معروفتر و متداولتر است، تعریف اول، «اقتصاد» را شامل مجموع تدابیری می‌داند که میان نیازهای نامحدود انسانی و وسایل محدود، هماهنگی برقرار می‌سازد. به بیان دیگر اقتصاد، تخصیص بهینه منابع محدود برای نیازهای

نامحدود است. تعریف دوم اقتصاد را رفتار خالص انسان می‌داند که با خواستن، ارزشیابی و انتخاب، در زمینه تولید، توزیع و مصرف توأم باشد و بیشترین موفقیت را برای او حاصل کند.^(۳)

نظامهای اقتصادی

قبل از معرفی نظامهای اقتصادی مطرح در جهان امروز، لازم است به تعریف نظام اقتصادی بپردازیم.

نظام اقتصادی، عبارتست از: مجموعه مرتبط و منظم عناصری که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کند.^(۴)

در حال حاضر دو نظام عمده و مطرح در دنیا وجود دارد که عبارتند از:

نظام سرمایه‌داری (Capitalism) و نظام سوسیالیسم (Socialism).

۱- نظام سرمایه‌داری، نظامی مبتنی بر مالکیت خصوصی لوازم و ابزار تولید و قبول آزادیهای فردی در فعالیت اقتصادی است. نقش دولت در یک نظام سرمایه‌داری ناچیز و به حفظ امنیت محدود می‌گردد. در پاره‌ای از متون اقتصادی به «اقتصاد آزاد» (Free Economy) یا «اقتصاد بازار» (Market Economy) نیز، نظام سرمایه‌داری گفته می‌شود.^(۵)

اصول نظام سرمایه‌داری: با توجه به تعریف فوق، نظام سرمایه‌داری شامل سه اصل اساسی است.

الف: اصل مالکیت شخصی (Private Property)، بموجب این اصل، هر فرد اختیار دارد هر مقدار از اشیاء و امکانات تولید را که خواسته

نظام سرمایه‌داری

نظامی مبتنی بر

مالکیت خصوصی

لوازم و ابزار تولید و

قبول آزادیهای

فردی در فعالیت

اقتصادی است.

نقش دولت در یک

نظام سرمایه‌داری

ناچیز و به حفظ

امنیت محدود

می‌گردد.

۱- لغت نامه دهخدا - ماده اقتصاد: ۳۱۵۳/۷.

۲- معجم الاقتصاد الاسلامی للدكتور احمد الشرباصی، ص: ۳۷.

۳- نظامهای اقتصادی - دکتر حسین نمازی - انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (صفحات: ۶ تا ۱۲)

۴- همان مأخذ، ص: ۱۲.

۵- فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی - حسن گلریز - چاپ مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی.

باشد در مالکیت شخصی خود در آورد.

ب: اصل عامل منافع شخصی (private Motive). بموجب این اصل، مهمترین عامل محرک فعالیتهای اقتصادی نفع شخصی است. آدام اسمیت - بنیانگذار نظام سرمایه‌داری - معتقد است: اگر افراد در کسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند و هر فرد بتواند بدون مانع، منافع شخصی خود را تأمین کند، آنگاه منافع اجتماع هم به بهترین شکل حاصل خواهد شد، زیرا اجتماع چیزی جز مجموع افراد تشکیل دهنده آن نیست.

ج: اصل عدم دخالت دولت در امور اقتصادی (Laissez Faire) بموجب این اصل، در نظام سرمایه‌داری، دولت حق دخالت در امور تولیدی، بازرگانی و توزیع را ندارد و نمی‌تواند موانعی در امور اقتصادی مردم ایجاد کند، و تولیدکنندگان و صاحبان سرمایه و تجار وظیفه ندارند به شرایط و قیود دولت عمل کنند.

گر چه در حال حاضر اجرای این اصل که در واقع، فلسفه تساوی و زیر بنایی نظام سرمایه‌داری است کمتر عمل می‌شود و دولت با وضع مالیات و نظایر آن دخالت‌های بیشماری در امور اقتصادی انجام می‌دهد اما این نکته را نیز باید مد نظر داشت که در کشورهای سرمایه‌داری حکومت نیز توسط سرمایه‌داران وضع و اداره می‌شود.

۲- نظام سوسیالیسم: نظام سوسیالیستی یا اشتراکی، عبارت از عمومی کردن مالکیت و قرار گرفتن آن در دست حکومت است که یک برنامه اقتصادی گسترده تنظیم و در صورت لزوم با توسل به زور آن را اجرا می‌کند. این نظام در واقع به منظور رد ایده نظام سرمایه‌داری بوجود آمد، شرایط بسیار نامناسب اجتماعی، بیکاری، فقر عمومی، عدم توزیع عادلانه ثروت، عدم تعادل اقتصادی در نظام سرمایه‌داری که در نتیجه آن، فاصله عمیق بین فقیر و ثروتمند ایجاد شد، زمینه را برای پیدایش نظام سوسیالیسم با اصولی متضاد با نظام سرمایه‌داری فراهم ساخت.

اصولی اساسی نظام سوسیالیستی بشرح ذیل می‌باشند:

۱- اصل مالکیت اجتماعی (Collective)

(Property) بموجب این اصل در نظام سوسیالیستی، عوامل توزیع یعنی، زمین، سرمایه، کارخانجات و غیره در مالکیت شخصی کسی نمی‌باشد، بلکه در مالکیت عموم ملت است و زیر نظر دولت (بعنوان نماینده ملت) اداره می‌شوند، لواز می‌که برای استفاده شخصی هستند می‌توانند در مالکیت شخصی قرار گیرند، در این نظام، عوامل توزیع، یعنی فروشگاه نیز در مالکیت دولت هستند و درآمد بدست آمده از تولید و توزیع، به خزانه دولت واریز می‌شود و مردم طبق برنامه‌ریزی دولت حقوق و دستمزد می‌گیرند.

۲- اصل برنامه‌ریزی (Planning)، بر اساس این اصل، تمامی خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاریهایی اقتصادی، توسط دولت و تحت برنامه انجام می‌شود و در این برنامه‌ها، تمام ضروریات اقتصادی و تعداد عوامل اقتصادی و اولویت‌بندی آنها گردآوری شده و تعیین می‌شود که چه میزان سرمایه و کار برای تولید چه کالا یا خدمتی اختصاص داده شود و مثلاً از فلان کالا چه مقدار تولید شود و برای کارگران بخش‌های مختلف چقدر دستمزد در نظر گرفته شود.

۳- اصل رجحان منافع اجتماعی (Collective Interest)، یعنی نظام سوسیالیستی مدعی است که در این نظام، تمام تلاش‌های برنامه‌ریزی شده اقتصادی بر مبنای برتری منافع اجتماعی بر منافع شخصی صورت می‌گیرد.

۴- اصل تقسیم مساوی درآمد (Eor-uitable DistribUtionaL Income) نظام سوسیالیستی، بموجب این اصل معتقد است که درآمدی که از راه تولید و توزیع بدست می‌آید، باید بطور مساوی در میان افراد تقسیم شود و نباید تفاوت زیادی بین ثروتمند و فقیر وجود داشته باشد و در تقسیم درآمدها، باید تعادل برقرار شود.

ابتدا در نظام سوسیالیستی ادعا این بود که تعادل در درآمدها رعایت می‌شود، اما در عمل هرگز چنین نشد و دستمزدها و حقوق‌های مردم پیوسته کم و زیاد می‌شد.

اقتصاد مرکب (Mixed Economy)

گر چه اندیشه طراحی اقتصاد از طرف دولت را

✓ نظام سوسیالیستی یا اشتراکی، عبارت از عمومی کردن مالکیت و قرار گرفتن آن در دست حکومت است که یک برنامه اقتصادی گسترده تنظیم و در صورت لزوم با توسل به زور آن را اجرا می‌کند.

دست مردم، اسکناس، طلا، نقره و غیره) است، تمام این امکانات محدود و در مقابل، نیازها و خواسته‌های جامعه نامحدود است. مفهوم اقتصادی «گزینه برتر» به ما می‌گوید که این امکانات برای چه خواسته‌ای مصرف شوند.

۲- تخصیص امکانات (Allocation of Resources)، در یک کشور عوامل تولید کالا و ارائه خدمات یعنی، سرمایه، نیروی کار و زمین وجود دارد، به این که چه مقدار از این‌ها را برای کدام کار اختصاص دهیم؟ «تخصیص امکانات» می‌گویند.

بعنوان مثال: در کشور ما زمین کشاورزی وجود دارد، حال چه مقدار از این زمین را برای کشت برنج و چه مقدار برای کشت گندم و یا پنبه و سیب زمینی اختصاص دهیم. در نظر گرفتن هر مقدار از زمین برای کشت هر یک از محصولات کشاورزی بر اساس مفهوم تخصیص امکانات انجام می‌شود.

۳- تقسیم درآمد (Distribution of Income)، این مفهوم را که بعد از بکارگیری امکانات درج شده در موارد بالا، مقدار درآمد یا محصولی که بدست می‌آید، چگونه و تحت چه اصولی در جامعه تقسیم شود؟ در اصطلاح اقتصادی «تقسیم درآمد» می‌گویند.

۴- توسعه (Development): مفهوم چهار نظامهای اقتصادی، توسعه است، یعنی چگونه بازده اقتصادی خود را گسترش دهیم تا محصولاتی که بدست می‌آید. از نظر کیفیت بهتر از گذشته باشد و بر کمیت آن نیز، اضافه شود، و چگونه با تنوع تولیدات و فرآورده‌های جدید، جامعه‌ای بوجود بیاوریم که از نظر اقتصادی پیشرفته باشد.

کاربرد مفاهیم اقتصادی در نظامهای اقتصادی

هر یک از نظامهای سرمایه داری و سوسیالیستی، با توجه به اصول خود راههای استفاده از مفاهیم اقتصادی بیان شده را برای حل مشکلات اقتصادی در نظر گرفته‌اند، که بشرح ذیل است.

الف: نظام سرمایه داری معتقد است که برای حل مشکلات اقتصادی با توجه به چهار مفهوم فوق، فقط یک راه وجود دارد و آن قانون طبیعی عرضه

ابتدا سوسیالیسم عرضه داشته بود، اما رفته رفته، کشورهای سرمایه داری هم بطور جزئی این نظریه را پذیرفتند. زیرا ممالک سرمایه داری نتوانستند بطور کامل بر قوانین خود - که به دولت اجازه دخالت در معاملات اقتصادی مردم را نمی‌داد - پا بر جا بمانند. بنابراین با توجه به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی مختلف، دولتهای سرمایه دار ناچار شدند که در تجارت و اقتصاد مردم دخالت‌هایی داشته باشند و به این ترتیب اصطلاحی جدید در اقتصاد بنام «اقتصاد مرکب» بوجود آمد که مفهوم آن این است که، اگر چه اقتصاد بطور کلی تحت اراده مردم اداره می‌شود، اما در صورت نیاز، بعضی از بخشهای صنعت و تجارت می‌تواند در اختیار دولت باشد، چنان‌که در بعضی از کشورهای سرمایه داری، برق، تلفن، قطار، سرویسهای هوایی و غیره، دولتی می‌باشند و برای نظارت بر منافع شخصی نیز مقرراتی وضع می‌شود. در این نوع اقتصاد، آنچه را که توسط دولت اداره می‌شود بخش دولتی یا عمومی، (Public Sector) و آن چه را که توسط مردم اداره می‌شود، بخش خصوصی (Private Sector) می‌نامند.

در هر نظام اقتصادی، برخی مفاهیم اساسی و بنیادین وجود دارد که بدون شناخت و بررسی آنها اداره نظام اقتصادی دشوار است، مهمترین این مفاهیم که با اجرای دقیق و صحیح آنها بسیاری از مشکلات اقتصادی حل می‌شود، چهار مورد هستند:

۱- گزینه برتر (Determination of Priorities)، نیازها و خواسته‌های انسان نامحدود، تأمین تمام نیازها و خواسته‌ها ممکن نیست، به ناچار باید بعضی از نیازها و خواسته‌ها را مقدم و برخی دیگر را مؤخر کرد، حال این که کدام یک از خواسته‌ها را مقدم و کدام را مؤخر کرد؟ به این مفهوم «گزینه برتر» می‌گویند.

بعنوان مثال: کشور ما ایران دارای مقداری امکانات طبیعی (مانند زمین‌های کشاورزی، معادن زیر زمینی، جنگل و غیره) و مقداری نیروی انسانی (مانند پزشک، مهندس، کشاورز، کارگر، تاجر و غیره) و مقداری سرمایه (مانند پول در بانکها و

توجه به ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی مختلف، دولتهای سرمایه دار ناچار شدند که در تجارت و اقتصاد مردم دخالت‌هایی داشته باشند و به این ترتیب اصطلاحی جدید در اقتصاد بنام «اقتصاد مرکب» بوجود آمد.

سوسیالیسم را «اقتصاد با برنامه» (Planned Economy) می‌گویند؛ که به زبان عربی «اقتصاد مخطط» تعبیر می‌شود.

ایرادهای اساسی راه‌حل‌های ارایه شده نظامهای اقتصادی

راهکارهای جداگانه‌ای که هر دو نظام - سرمایه داری و سوسیالیسم - در حل مشکلات اقتصادی از طریق مفاهیم اقتصادی ارایه داده‌اند، خالی از پاره‌ای مشکلات اساسی اجتماعی و اقتصادی نیست و هر یک از این مشکلات به تنهایی می‌تواند از مقبولیت راهکار مذکور بکاهد و قابلیت اجرایی آن را زیر سؤال ببرد.

برخی از مشکلاتی که هر یک از نظامهای اقتصادی با آن گرفتارند به قرار زیر می‌باشند:
الف: مشکلات و آفت‌های موجود در نظام سرمایه‌داری:

۱- بروز مفاسد اجتماعی و اخلاقی و عدم تمایز بین کسب درآمد از راههای حلال و حرام، وقتی هر شخصی اختیار دارد آزادانه هر عملی را برای کسب درآمد انتخاب کند و هر نوع فعالیت اقتصادی آزاد گذشته شود، توجهی به شئون انسانی و اخلاقی در جامعه به عمل نمی‌آید و در نتیجه، راههای فساد باز گذاشته می‌شود و فرقی بین حلال و حرام گذاشته نمی‌شود. نمونه آشکار آن فساد و بی‌بند و باری جوامع غربی است. که برای بدست آوردن درآمد از هر راهی، و لو قتل و غارت و چپاول و سوء استفاده نامشروع از انسان و حیوانات را مجاز می‌شمارند.

۲- نادیده گرفتن مصالح اجتماعی و اولویت دادن به منافع فردی بجای منافع جمعی: در نظام سرمایه داری، وقتی یک شخص اجازه دارد برای کسب منافع شخصی، مثلاً فیلمهای مبتذل بسازد و یا خانه‌های فساد درست کند که منافع بیشتری دارد، هرگز، سرمایه و امکانات تولید خود را برای ساخت واحدهای مسکونی جهت فروش و اجاره دادن به افراد کم درآمد، بکار نمی‌برد.

۳- رواج روز افزون بازار قمار، رباخواری، کلاهبرداری و رشوه خواری و... وقتی در نظام

(Supply) و تقاضا (Demand) است. «عرضه» عبارت از مقدار مجموعه‌ای از هر نوع کالای تولیدی و تجاری است که جهت فروش به بازار آورده شده، و خواسته مشتریان که این کالای تجاری را با چه قیمتی از بازار خریداری کنند، «تقاضا» نام دارد.

بنابراین: قانون طبیعی عرضه و تقاضا این است که، هرگاه عرضه کالایی از تقاضای آن بیشتر باشد، قیمت آن کالا کاهش می‌یابد و بر عکس، چنانچه تقاضای آن در بازار بیشتر از عرضه آن باشد، قیمت کالا افزایش می‌یابد.

بعنوان مثال: اگر در فصل تابستان که گرما به اوج خود می‌رسد و مردم نیاز شدیدی به مصرف یخ پیدا می‌کنند، عرضه یخ جوابگوی نیاز مشتریان نباشد، قیمت آن افزایش می‌یابد و در زمستان که مردم احتیاج به یخ ندارند، قیمت آن کاهش می‌یابد. این یک قانون طبیعی است که در مورد همه کالاها و خدمات وجود دارد و به آن قانون عرضه و تقاضا

(Law of Demand and supply) می‌گویند.

هرگاه عرضه و تقاضای کالا به یک اندازه باشد، حالت تعادل در بازار بوجود می‌آید و در این صورت قیمت‌ها با کاهش یا افزایش محسوسی مواجه نخواهد شد.

ب: نظام سوسیالیستی حل مشکلات اقتصادی را در الغای مالکیت‌های شخصی و تثبیت مالکیت اجتماعی و ملی می‌داند؛ یعنی هرگاه تمامی عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کار فرما) در مالکیت اجتماعی دولت قرار گیرند، آن وقت دولت می‌تواند پی ببرد که مقدار تولید چقدر باید باشد و نیازهای جامعه چیست و بر اساس آن در اولویت دادن نیازهای اساسی جامعه، تعیین حدود مقدار تولید هر محصول و کیفیت ترتیب عوامل مختلف تولید و وضع آنها در کارهای ویژه، برنامه‌ریزی می‌کند که گزینش برتر، تخصیص امکانات و توسعه، هر سه تحت برنامه‌ریزی دولت انجام گیرند. بنابراین نظام سوسیالیستی برای حل مشکلات اقتصادی یک راه را در نظر می‌گیرد و آن، برنامه ریزی و طراحی است. از این رو اقتصاد

قانون طبیعی
عرضه و تقاضا این
است که، هرگاه
عرضه کالایی از
تقاضای آن بیشتر
باشد، قیمت آن کالا
کاهش می‌یابد و بر
عکس، چنانچه
تقاضای آن در بازار
بیشتر از عرضه آن
باشد، قیمت کالا
افزایش می‌یابد.

سوارند و حقوق اجتماعی آنها را محدود نموده‌اند.
۳- عدم وجود خلاقیت و ابتکار و تلاش در امر تولید، یکسان بودن درآمد مردم در تمام شرایط کار و تلاش و نداشتن تصمیم‌گیری در امر تولید و توزیع و کسب درآمد - در نظام سوسیالیستی - موجب شده تا انگیزه لازم برای تولید بهتر و بیشتر بجز با زور و اجحاف فراهم نباشد.

۴- عدم توجه به مسائل انسانی و اخلاقی: در نظام سوسیالیستی نیز چون از انسان بعنوان ابزار و وسیله تولید استفاده می‌شود، توجهی به روحیات و شخصیت و اخلاق انسانی بعمل نمی‌آید و فساد اخلاق و ابتدال بعلت زندگی اشتراکی و عدم رسمیت خانواده، بیشتر از نظام سرمایه‌داری است.

احکام اقتصادی اسلامی

نخست باید به این نکته پی برد که، اسلام یک نظام اقتصادی مطابق با آنچه که برای نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی تعریف و بررسی گردید، نیست که تشریح و بحث جداگانه‌ای برای اصطلاحات بکار رفته در نظام‌های اقتصادی، برای آن وجود داشته باشد، بلکه اسلام یک دین و ایدئولوژی فراگیر و جامع برای بهبود و سعادت تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان است که برای همه بخش‌های زندگی بشر قوانین و دستورالعمل‌های ویژه‌ای که همه با هم ارتباط دارند، وضع نموده است.

✓ اقتصاد

نیز به عنوان

بخشی مهم از

زندگی بشر، دارای

ضوابط و مقررات

اسلامی است که

رعایت آنها برای

اسلامی کردن

تجارت و فعالیت‌های

اقتصادی لازم

است.

سرمایه‌داری، بکارگیری سرمایه در هر کاری آزاد باشد، بازار رباخواری و منفعت‌طلبی توسط اشخاص و بانکها و مؤسسات اقتصادی روبروز رونق می‌یابد.

۴- بروز اختلاف طبقاتی: در نظام سرمایه‌داری، پول و ثروت حرف اول را می‌زند و هر کس که پولدارتر است، قوی‌تر است و در جامعه نیز از قدرت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بیشتری برخوردار است و با امکانات سرمایه‌گذاری بیشتر روز بروز بر ثروت وی افزوده می‌شود و فقرا و مستمندان روز بروز ضعیف‌تر و تنگدست‌تر می‌شوند. بنابراین، شکاف بین طبقه ثروتمند و فقیر روز به روز بیشتر می‌شود.

۵- از بین رفتن معیارهای انسانی و اخلاقی: در نظام سرمایه‌داری، ثروتمندان بدلیل پول و ثروت خود در جامعه از اعتبار اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند، زیرا کارهایی که آنها بوسیله پول می‌کنند، از هیچ چیز دیگر ساخته نیست. و در این جوامع علما، دانشمندان و صاحبان فکر و اندیشه در لایه‌های پائین اجتماع قرار دارند.

ب: مشکلات و آفت‌های نظام سوسیالیسم:

۱- اشتباه دولت مردان در برنامه ریزی: در نظام سوسیالیستی، چون تصمیم گیرندگان و برنامه‌ریزان در امر اقتصاد، گروهی از انسانها، بنام دولتمردان و مسئولان حکومتی هستند، هر آن امکان اشتباه در برنامه‌ریزیهای آنان وجود دارد که در این صورت جبران خطای برنامه‌ریزی آنها به عهده ملت است.

۲- سلب آزادیهای فردی و اجتماعی و سیاسی مردم: چون در نظام سوسیالیستی همه ثروت‌ها و درآمد ملت در دست افراد معدودی که حکومت را تشکیل می‌دهند قرار دارد، آنها برای تثبیت پایه‌های حکومت خود، آزادی‌های فردی و اجتماعی را سلب می‌کنند و چون استفاده از تمام امکانات بصورت اشتراکی انجام می‌شود، بنابراین: مردم حق انتخاب مسکن، داشتن پول، امکانات رفاهی، بیان عقاید و آرای مذهبی و حتی حق انتخاب همسر و داشتن فرزندان و برگزاری اجتماعات و اعتراضات را ندارند و این دولتمردان هستند که بعنوان نمایندگان تحمیلی برگرده مردم

قانون عرضه و تقاضا صحه گذاشته و آن را با رعایت مصالح جامعه پذیرفته است.

ذیلاً به پاره‌ای از نصوصی که می‌توان بر تایید این مطلب به آنها استناد کرد اشاره می‌شود.

۱- خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است:

«نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضاً سخرياً»^(۱)؛ ماييم که در زندگانی دنیا، معیشت انسان‌ها را بین آنها تقسیم کرده‌ایم و برخی را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم تا هر یکی از آنها بتواند از دیگری کار بگیرد.

روشن است که کارگرفتن از دیگری به این شکل فراهم می‌گردد که، کارفرما تقاضای کار داشته کارگر آماده برای عرضه کار باشد، در این صورت با هماهنگی این دو - عرضه و تقاضا - یک اقتصاد معتدل بوجود می‌آید.

۲- در روایتی از ابن عباس رضی الله عنه چنین آمده است:

«قال رسول الله ﷺ: لا تلقوا الركبان ولا يبيع حاضر لباد، قال: فقلت لابن عباس ما قوله لا يبيع حاضر لباد؟ قال: لا يكون له سمساراً؛ رسول اکرم ﷺ فرمودند:

به پیشواز کاروان حامل کالاهای تجاری (به قصد این که اجناس را قبل از ورود به شهر بخرید و با قیمت بالا به مردم شهر بفروشید) نروید. و چنین نباشد که شهرنشین، محصولات روستائیان را برای او بفروشد. راوی (طائوس) می‌گوید: از ابن عباس رضی الله عنه در مورد عدم فروش کالاهای روستائیان توسط اهالی شهر پرسیدم، گفت: منظور این است که شهری دلال فروش کالاهای روستایی نشود (تا محصولات تولیدی او را به نمایندگی از وی به مردم شهر با قیمت گران بفروشد).

علت ممانعت رسول اکرم ﷺ از واسطه شدن شخص ثالث میان فروشنده و خریدار، حفظ عدالت و برقراری تعادل طبیعی عرضه و تقاضا در بازار بود.

۳- پیامبر اکرم ﷺ از «بیع نجش» نهی فرمود، در روایتی از ابوهریره رضی الله عنه آمده است:

«قال رسول الله ﷺ: لا يبيع المرء على أخيه ولا تاجشوا ولا يبيع حاضر لباد»^(۲)؛ معامله «نجش» این است که دو نفر روی یک معامله با هم گفتگو

می‌کنند و تقریباً بر یک مبلغ به توافق می‌رسند در همین میان شخص دیگری صرفاً جهت تشویق مشتری و آماده کردن او برای خرید کالا آمادگی خود را برای خرید آن کالا به مبلغی بیشتر از آن اعلام می‌کند، بدون اینکه اراده خرید آن را داشته باشد.^(۳)

ظاهر است در چنین شرایطی، شخص ثالث به طور ساختگی میزان تقاضا برای آن کالا را بالا می‌برد و با افزایش میزان تقاضای کالا، ارزش آن نیز افزایش می‌یابد و این امر باعث می‌شود تا تعادل طبیعی عرضه و تقاضا به هم بخورد، از این جهت رسول گرامی ﷺ از انجام این نوع معامله نهی فرمود.

۴- در روایتی از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه آمده است: وقتی به علت گرانی نرخ‌ها، از رسول اکرم ﷺ تقاضا کردند تا اجازه دهند نرخ اجناس را خودشان تعیین کنند، فرمود: «ان الله هو السعير القابض الباسط الرازق»^(۴)؛ همانا تعیین کننده نرخ‌ها، کاهش دهنده و افزایش دهنده مقدار کالا و روزی دهنده فقط خدا است.

خداوند را تعیین کننده نرخ‌ها دانستن، به این معنا است که او برای عرضه و تقاضا ضوابطی را مقرر فرموده که طبیعی هستند و قیمت‌ها نیز بر اساس همین ضوابط به طور طبیعی (بدون دخالت عوامل خارجی) مشخص می‌گردند، لذا نیازی به ترک این فرایند طبیعی و روی آوردن به اقدام مصنوعی و غیر طبیعی نیست.

از مجموعه این نصوص نتیجه می‌گیریم که، اسلام قانون طبیعی بازار، یعنی عرضه و تقاضا را تا حدودی پذیرفته و مردم را در فعالیت‌های اقتصادی آزاد گذاشته است، البته با این تفاوت که، در نظام سرمایه‌داری این آزادی به صورت نامحدود است، اما در اسلام برای این آزادی، در نظام سرمایه‌داری این آزادی به صورت نامحدود است، اما در اسلام برای این آزادی، در نظام سرمایه‌داری این آزادی به صورت نامحدود است، اما در اسلام برای این آزادی، در نظام سرمایه‌داری این آزادی به صورت نامحدود است.

۱- زخرف: ۳۲.

۲- بخاری - کتاب البیوع، حدیث: ۲۱۶۰.

۳- هدایه: ۶۶/۳.

۴- ابن ماجه، باب من کره ان یسعر ۷۴۱/۲، حدیث: ۲۲۰۰.

✓ اسلام
قانون طبیعی بازار،
یعنی عرضه و
تقاضا را تا حدودی
پذیرفته و مردم را
در فعالیت‌های
اقتصادی آزاد
گذاشته است، البته
با این تفاوت که، در
نظام سرمایه‌داری
این آزادی به
صورت نامحدود
است،... اما در
اسلام برای این
آزادی، چارچوب
خاص و ضوابط و
مقررات ویژه‌ای در
نظر گرفته شده
است.

می‌کنیم.

اگر به درستی اندیشیده شود، این قبیل قیود و تعهدات اخلاقی، تأثیر بسزایی در رشد و شکوفایی اقتصاد یک جامعه دارد.

با بودن این نوع قیود و ممنوعیت‌ها در اشتغال و فعالیت اقتصادی، از بسیاری از بی‌بند و باری‌ها در تجارت و تولید جامعه اسلامی جلوگیری می‌شود و یک اقتصاد کاملاً اسلامی و شکوفا شکل می‌گیرد.^(۲)

ویژگی‌های اقتصاد اسلامی

در یک کلام، باید گفت که: اقتصاد اسلامی دارای فلسفه ممتاز و راهکار مخصوص به خود است که نه با نظام کمونیستی و نه با نظام سرمایه‌داری، هماهنگی و تفاهم دارد. اقتصاد اسلامی یک نظام مستقل است که خداوند آن را بنا نهاده است و با زندگی آزاد و سالم و خالی از هر گونه عناد و حسد و طمع بطور کامل مطابقت دارد.

در سایه این نظام، می‌توان به یک روحیه تعاون و همکاری دست یافت که بر اساس آن خرد و کلان در جامعه به فعالیت و تولید می‌پردازند. در جامعه سالم اسلامی، فعالیت کنندگان در بخش اقتصاد با هم برادر هستند و به نوعی با هم همکاری دارند، حق مالکیت همه آنان تضمین، و تصرف آنها در

اموالشان دارای اعتبار شرعی است. در پرتو این مبادی، اقتصاد اسلامی از نظام کمونیستی و سرمایه‌داری کاملاً فاصله می‌گیرد. در اقتصاد اسلامی مالکیت، اعم از این که مالکیت منفعت باشد یا مالکیت رقبه یا هر دو، مورد ضمانت قرار گرفته و تجاوز بر آن حرام و حرمت دادن به آن واجب است.

مالکیت فردی و آزادی در فعالیت اقتصادی حق هر فرد دانسته شده و با دیده احترام نگریسته می‌شود. اما این آزادی با آن بی‌بند و باری و افسارگسیختگی نظام سرمایه‌داری، که هر نوع تجاوز، بی‌حرمتی، کلاهبرداری، ربا، سرقت، احتکار و غیره در آن راه

می‌شود. این قیود را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- قیود الهی:

ممنوعیت‌هایی از قبیل ربا، قمار، کلاهبرداری، احتکار، دروغ و... در فعالیت‌های اقتصادی.

۲- قیود حکومتی و دولتی:

گاه در برخی از شرایط زمانی و موقعیت‌های مختلف، فعالیت اقتصادی در یک زمینه، باعث بروز مشکلات اجتماعی یا بهداشتی می‌گردد. دولت بخاطر جلوگیری از آن، ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی را در انجام یک نوع تجارت و فعالیت اقتصادی به وجود می‌آورد. اسلام نیز بخاطر در نظر گرفتن مصالح اجتماعی مردم، نه تنها این محدودیت‌ها را رد نمی‌کند، بلکه به آن اعتبار شرعی می‌دهد و مخالفت با آن را با رعایت دو شرط ذیل جرم شرعی تلقی می‌کند:

الف: دستور و قانونی را که دولت وضع می‌کند، با حکمی از احکام قرآن و سنت مغایرت نداشته باشد؛

ب: اجرای آن دستور بر اساس مصلحت عامه باشد، فقهاء برای آن قاعده‌ای با تعبیر «التصرف علی الرعیة منوط بالمصلحة»^(۱) دارند؛ یعنی: تصرف حکم بر مردم، منوط به در نظر داشتن مصلحت اجتماعی آنان است.

۳- قیود وجدانی و اخلاقی، گاه فعالیت در یک بخش تجاری یا تولیدی با آن که منفعت اندکی به دنبال دارد، اما به علت داشتن ثواب اخروی، مورد توجه یک تاجر مسلمان قرار می‌گیرد و در مقابل آن، فعالیت در بخش دیگری که دارای منفعت بیشتر اما خالی از ثواب است، ترجیح داده نمی‌شود. مثلاً یک تاجر متدین، بجای سرمایه‌گذاری در تأسیس یک مجتمع تفریحی پردرآمد، در احداث تعدادی واحد مسکونی ارزان قیمت سرمایه‌گذاری می‌کند و آنها را با اجاره بهای اندک به افراد مستضعف و بی‌خانمان به اجاره واگذار می‌کند یا با قیمت کم به آنها می‌فروشد. در اینجا آنچه مانع تاجر از فعالیت و سرمایه‌گذاری در بخش اول می‌شود، همان تعهد اخلاقی و وجدانی او است. این گونه موانع را به قیود اخلاقی تعبیر

۱- شرح المجله: ۱/۱۴۱ المادة: ۸۵.

۲- عمده مطالب این بخش از مفاهیم چهارگانه تا اینجا از کتاب «اسلام اور جدید تجارت و معیشت» نوشته استاد مولانا محمد تقی عثمانی (مدظله العالی) گرفته شده است.

✓ اقتصاد

اسلامی دارای

فلسفه ممتاز و

راهکار مخصوص

به خود است که نه

با نظام کمونیستی و

نه با نظام

سرمایه‌داری،

هماهنگی و تفاهم

دارد.

در روایتی از حضرت جابر رضی الله عنه منقول است که: «انه سمع رسول الله يقول و هو بمكة عام الفتح: ان الله و رسوله حرم بيع الخمر و الميتة و الخنزير و الاصنام»^(۴)؛ حضرت جابر رضی الله عنه می فرماید: از رسول گرامی صلی الله علیه و آله در سال فتح مکه هنگامی که در مکه حضور داشتند، شنیدم که فرمودند: همانا خدا و رسول وی خرید و فروش شراب، مردار، خوک و بت‌ها را حرام نموده‌اند.

اصل دوّم: معامله‌ای که در آن کلاهبرداری یا نوعی فریب و جهل باشد، جایز نیست.

الف: در صحیح مسلم، به روایت حضرت ابوهریره رضی الله عنه آمده است: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن بيع الحصة و عن بيع الغرر»^(۵)؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بیع سنگریزه^(۶) و از داد و ستدی که در آن فریب باشد، نهی فرمودند.

ب - در روایتی از ابو سعید خدری رضی الله عنه نقل شده که: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن شراء ما فی بطون الانعام حتی تضع...»^(۷)؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از فروش جنین در شکم حیوان ممانعت فرمودند.

فریب و جهالتی که در این نوع معامله وجود دارد نیازی به توضیح ندارد. زیرا معلوم نیست که جنین زنده بدنیا بیاید.

اصل سوّم: فروش چیز غیر مملوک جایز نیست. (یعنی فروش کالا یا مالی که هنوز در مالکیت شخصی قرار نگرفته جایز نیست.)

در روایتی از بهز بن حکیم، آمده است: «قال یا رسول الله یاتینی الرجل فیرید منی البیع لیس عندی

دارد، تفاوت آشکاری دارد. در اقتصاد اسلامی، مالک اصلی همه چیز خدا است و فرد ناتوان و مستضعف جامعه سهم مشخصی در اموال سرمایه داران دارد که باید به او پرداخت شود.

«و فی اموالهم حق للسائل و المحروم»^(۱)؛ در مال ثروتمندان، برای گدایان و تهیدستان حقی وجود دارد.

در جای دیگر، مشخص بودن این حق را تصریح می فرماید:

«والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم»^(۲)؛ و کسانی که، در دارائیهای آنها گدایان و تهیدستان سهم مشخصی دارند.

پرداخت این سهم در اقتصاد اسلامی به افراد ناتوان جامعه از واجبات شرعی به شمار می رود که سرمایه داران در صورت سهل انگاری یا خودداری از پرداخت آن، به عذاب دردناک بیم داده شده‌اند.^(۳)

اصول اساسی اقتصاد اسلامی

شریعت مقدس اسلام در زمینه تجارت و فعالیت اقتصادی به پاره‌ای از اصول و ضوابط تکیه کرده است که با رعایت آن می توان اقتصادی کارآمد، جامعه‌ای پویا و سیستم مالی عادلانه‌ای به وجود آورد. هر فرد مسلمان که می خواهد به فعالیت مشروع اقتصادی و تجارت سالمی که مورد تایید اسلام است، بپردازد و از راه حلال، کسب درآمد کند موظف به رعایت این اصول است. دولت‌های اسلامی نیز وظیفه دارند این قوانین را در امور اقتصادی کشور اعمال و تجارت خود را بر مبنای این ضوابط پایه گذاری کنند و کسانی را که از مقررات و دستورات اقتصادی اسلام سرپیچی کنند، مورد پیگرد قانونی قرار دهند. اکنون به طور اجمال به پاره‌ای از این اصول اشاره می شود:

اصل اول: آنچه فروخته می شود باید بر اساس شرع «مال یا کالا» باشد.

بموجب این اصل، خرید و فروش اشیای نجس و حرام مانند: شراب، خوک، لاشه مردار و غیره که در شرع اعتبار مالی ندارند، ناجایز و باطل است.

✓ شریعت مقدس اسلام در زمینه تجارت و فعالیت اقتصادی به پاره‌ای از اصول و ضوابط تکیه کرده است که با رعایت آن می توان اقتصادی کارآمد، جامعه‌ای پویا و سیستم مالی عادلانه‌ای به وجود آورد.

۱- ذاریات: ۱۹ - ۲- معارج: ۲۴-۲۵.

۳- توبه: ۳۴

۴- بخاری، باب ۱۱۲ حدیث: ۲۲۳۶.

۵- مسلم، کتاب البیوع: ۳/۵.

۶- بیع سنگریزه معامله‌ای بود که در زمان جاهلیت انجام می گرفت، مشتری در حین گفتگو با فروشنده درباره خرید یک کالا سنگریزه‌ای به طرف کالا می انداخت و سنگریزه روی هر یک از آن کالاها می افتاد، معامله روی همان انجام می گرفت و بعد از آن هیچ کس حق اعتراض نداشت. بیع الحصة را فقهاء به «بیع بالقاء الحجر» نیز تعبیر کرده‌اند. الهدایة: ۵۳/۳. احمد الشرباصی در تعریف بیع الحصة می نویسد: «هو ان یقول البائع بعتك من هذه الاثواب ما تقع هذه الحصة علیه». المعجم الاقتصادي: ۵۹. فروشنده به خریدار می گوید: روی هر یک از این پارچه‌ها که این سنگریزه بیفتد، آن را به تو می فروشم.

۷- ابن ماجه: ۷۴۰/۲، حدیث: ۲۱۹۶.

ذکر شود تا روشن شود که کدام نوع معامله آلوده به ربا است و باید از آن پرهیز شود و تحت چه اصول و ضوابطی می‌توان معامله را از ربا و شبهه آن پاک ساخت.

الف: در صورتی که طلا با طلا یا نقره با نقره مبادله شود رعایت دو امر لازم و ضروری است: ۱- تساوی ۲- تقابض.

یعنی، هر دو طرف معامله باید در همان مجلس عقد معامله، عوض را دریافت کنند و مقدار هر دو جنس نیز باید مساوی باشد.

مقدار اضافی در هر عوض ربا محسوب می‌شود.

اما در صورتی که مبادله طلا با نقره انجام بگیرد، تقابض (یعنی رد و بدل نمودن طلا و نقره) شرط می‌شود، اما تساوی لازم نیست.^(۴)

در روایتی از حضرت ابن عمر رضی الله عنهما نقل شده است: «البر بالبر الا هاء و هاء و الشعير بالشعير ربا الا هاء و هاء و التمر بالتمر ربا الا هاء و هاء»^(۵)؛ فروش گندم با گندم و جو با جو و خرما با خرما ربا است، مگر این که دست به دست باشد (دریافت و پرداخت بطور نقدی انجام شود).

در این حدیث، شرط بودن «تقابض» در معامله گندم و جو و خرما با هم جنس خود ثابت گردید و حکم معامله طلا و نقره با هم جنس خود نیز همین است، کما این که از احادیث دیگر نیز ثابت است.

در روایتی از حضرت ابوبکر رضی الله عنه منقول است: «نهى النبي عن الفضة بالفضة و الذهب بالذهب الا سواء بسواء و امرنا ان نبيع الذهب بالفضة كيف شئنا و الفضة بالذهب كيف شئنا»^(۶)؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از معامله نقره با نقره و طلا با طلا نهی فرموده، مگر این که در آن مساوات باشد و ما را به فروش طلا با نقره و نقره با طلا، به هر روشی که خواسته باشیم، (اعم از مساوات و غیر آن) اجازه داد.

أفتأتعه له من السوق فقال لا تبع ما ليس عندك»^(۱)؛ بهزبن حکیم می‌فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: گاه یک شخص برای خرید کالایی که نزد من وجود ندارد، می‌آید، آیا در چنین شرایطی می‌توانم آن کالا را از بازار تهیه کنم و به او بفروشم؟ رسول گرامی صلی الله علیه و آله در جواب [مطلقاً] فرمود: چیزی را که نزد تو وجود ندارد، نفروش.

اصل چهارم: فروختن کالا یا مال مملوک قبل از در اختیار قرار گرفتن و تصاحب آن (دریافت) جایز نیست.

در روایتی از ابن عباس رضی الله عنهما نقل شده است: «اما الذی نهى عنه النبي صلی الله علیه و آله فهو الطعام ان یباع حتی یقبض قال ابن عباس و لا احسب کل شی الا مثله»^(۲)؛ معامله‌ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از انجام آن نهی فرموده، فروش گندم توسط خریدار قبل از تحویل گرفتن و تصاحب آن است. ابن عباس می‌فرماید: گمان نمی‌کنم حکم بقیه اشیاء غیر از این باشد.

بنابراین، اگر کالا یا مال خریداری شده، هنوز از میان کالاهای فروشنده جدا نشده و به خریدار تحویل نشده است، فروختن آن به دیگری جایز نیست.

امروزه این قبیل معاملات نیز به کثرت انجام می‌گیرد و یک کالا یا مالی قبل از تصاحب توسط خریدار به چند مشتری دیگر فروخته می‌شود.

اصل پنجم: معامله و تجارت باید از ربا و شبهه ربا پاک باشد.

در قرآن مجید آمده است: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله»^(۳)؛ ای کسانی که ایمان آوردید! بترسید از خدا و آنچه از ربا باقی مانده است را ترک کنید اگر واقعاً مؤمن هستید، اگر چنین نکردید آماده جنگ با خدا و رسول او باشید.

در تجارت، ربا دارای باب وسیعی است، احاطه تمام مسائل آن برای کسی که آگاهی کافی و اساسی نسبت به قرآن و حدیث نداشته باشد دشوار است و از جهتی بیان تمام مسائل آن با شرح کامل در این مقاله مختصر نیز مقدور نیست اما به منظور یادآوری اجمالی، لازم است برخی از آن مسائل

✓ در صورتی که طلا با طلا یا نقره با نقره مبادله شود رعایت دو امر لازم و ضروری است: ۱- تساوی ۲- تقابض.

۱- ابوداود: ۳۰۲/۳.
 ۲- بخاری: ۱۶۶/۶، حدیث: ۲۱۳۵.
 ۳- بقره: ۲۷۸ ۴- الهدایة: ۷۹/۳.
 ۵- بخاری، باب بیع التمر بالتمر، کتاب البیوع: ۲۱۰/۶، حدیث: ۲۱۷۰.
 ۶- بخاری، کتاب البیوع، باب بیع الذهب بالورق یدا بیدا: ۲۲۱/۶، حدیث: ۲۱۸۲.

از مفهوم این حدیث، شرط بودن «تساوی» در معامله طلا با طلا یا نقره با نقره و عدم مساوات در صورت اختلاف جنس، ثابت گردید.

ب: صورتی که دو نوع پول رایج یک کشور با هم مبادله شوند، تساوی بین آن دو شرط است، بنابراین اگر یک قطعه اسکناس هزار تومانی با یازده برگ اسکناس صد تومانی، مبادله شود، صد تومان اضافی ربا محسوب می شود، اما اگر دو نوع پول از دو کشور مختلف باشند و با هم مبادله شوند، بخاطر اختلاف جنس، مساوات در آن شرط نیست، لذا می توان یک روپیه پاکستانی را به ده تومان ایرانی یا کمتر یا بیشتر مبادله کرد.

اصل ششم: شرط فاسد در بیع شرکت موجب فساد آن معامله یا شرکت می شود.

شرط فاسد آن است که مخالف با مقتضای عقد بیع بوده و نفع یکی از فروشنده یا خریدار در آن بیشتر مورد نظر باشد.^(۱)

به عنوان مثال دو نفر با هم روی قیمت یک کالا توافق می کنند، فروشنده به این شرط حاضر به فروش کالای خود می شود که آن کالا باید بعد از فروش تا مدتی در اختیار وی باشد تا از آن استفاده کند. مثال شرط فاسد در بیع: مثلاً شخصی اتومبیل خود را با این شرط می فروشد که پس از دریافت بهای آن از خریدار، اتومبیل تا مدت معینی در اختیار خودش باشد یا مثلاً مشتری به شرطی حاضر به خرید آن چیز می شود که فروشنده مبلغی به عنوان قرض به او بدهد. یا در عقد شرکت، یک شریک به شرطی حاضر به مشارکت می شود که نفع مشخصی برای سهم شرکت وی در نظر گرفته شود و بدون توجه به سود و زیان شرکت، ماهانه یا در پایان سال به وی پرداخت شود. این قبیل شرطها موجب فساد عقد معامله یا شرکت می شوند.

اصل هفتم: جمع کردن دو معامله ضمن یک عقد جایز نیست.

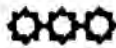
در حدیثی آمده است: «نهی رسول الله ﷺ عن بیعتین فی بیعة و فی روایة صفقة علی صفقة»^(۲)؛ رسول اکرم ﷺ از انجام دادن دو معامله در یک عقد، نهی فرمودند.

در میان معاملات جدید، معامله ای که می تواند از این نوع باشد، این است که مثلاً: سازمان مسکن، واحدهای مسکونی ساخته شده را به صورت اقساط معین به شرطی به خریدار می فروشد که تعهد نماید علاوه بر اقساط ماهیانه مبلغی به عنوان اجاره منزل نیز بپردازد، تا با پایان رسیدن اقساط، سند مالکیت واحد مسکونی به او تسلیم شود.

در این معامله دو عقد (بیع و اجاره) در ضمن یک ایجاب و قبول (قرارداد) انجام گرفته است. فقهاء این معامله را به «صفقة فی صفقة» تعبیر می کنند.

البته فروشنده می تواند مبلغ اجاره بها را در اقساط منظور و با بالا بردن قیمت واحد مسکونی، مبلغ اقساط را اضافه کند و عنوان اجاره بها حذف شود. در این صورت معامله اعتبار شرعی پیدا می کند و فروشنده نیز می تواند مبلغ مورد نظر خود را از طریق شرعی از خریدار وصول نماید.^(۳)

با توجه به این که در تهیه مقاله، اختصار مورد نظر بود، به ذکر مطالب و اصول یاد شده بسنده شد. اقتصاد اسلامی دارای توضیحات و مباحث مفصل و تعداد زیادی اصول و ضوابط است که علاقمندان و اشخاصی که می خواهند تجارتی سالم و کاملاً اسلامی داشته باشند و از راههای حلال کسب درآمد کنند، جهت آگاهی بیشتر می توانند به منابع و کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده، مراجعه کنند.



✓ شرط فاسد
آن است که مخالف
با مقتضای عقد بیع
بوده و نفع یکی از
فروشنده یا خریدار
در آن بیشتر مورد
نظر باشد.

۱- هدایة: ۵۹/۳. ۲- ابوداود: ۲۹۰/۳.

۳- اسلامی معیشت کی بنیادی اصول: مفتی عبدالسلام چاتگامی با اضافات و توضیحات مثالی و استدلالی از نویسنده مقاله.